

دستور کاهش کسری بودجه آمریکا*

مترجم: شریف مطوف

سرانجام دولت آمریکا، میزان کمکهای خود را کاهش داد**

در چندروز گذشته، دولت آمریکا اعلام نمود که بودجه مربوط به هزینه‌های عمومی خود را در سه سال آینده به میزان ۱۶۵ میلیارد دلار کاهش خواهد داد. این اقدامهای مقامات مالی آمریکا، نتیجه آثار منفی اقتصادی ناشی از کسر بودجه بزرگ دولت است. علاوه بر این، دلایلی زیادی وجود دارد که میزان این کسری را روبه افزایش نشان می‌دهد.

اداره بودجه آمریکا این کسر بودجه را در سال مالی جاری (که از ۱۹۸۴/۱۰/۱ شروع شده و تا ۱۹۸۵/۹/۳۰ ادامه خواهد یافت)، ۱۷۵ میلیارد دلار بیش بینی کرده بود. ولی آمار اخیر - بنابه تخمینهای تازه - مقامات رسمی دولت آمریکا - بالارفتن کسر بودجه را به بالاتر از میزان یادشده (یعنی تا ۲۱۰ میلیارد دلار) نشان داده است. بدون شک، افزایش بحران اقتصادی کشور مزبور، اگر مهمترین دلیل نباشد، مسلماً یکی از دلایلی عمده‌ای است که منجر به این وضع شده است. برای مثال، کاهش فعلی معلول رشد اقتصادی، به معنای کاهش سطح سودهایی است که شرکتهای آمریکایی به جیب می‌زنند. این امر به نوبه خود به کاهش میزان مالیات وارده به خزانه دولت و همچنین به افزایش حجم کسری بودجه می‌انجامد.

بی‌شک، فشارهای شدیدی که دولت آمریکا با آن مواجه شده است، نقش اساسی در قانع کردن مسئولان آمریکایی به ضرورت کاهش کسری بودجه آن کشور داشته است. بخصوص اینکه دلایلی زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد نرخ بالای بهره، ضررهای جدی به اقتصاد آمریکا رسانده است. دولت ریگان از آغاز سال ۱۹۸۱، اقدام به افزایش نرخ بهره بانکی نموده است تا پول بیشتری از خارج آمریکا به داخل آن کشور، به منظور مقابله با کسری بودجه عمومی کشور، جذب نماید.

دولت ریگان به تازگی از اداره بودجه آمریکا درخواست کرده است تا پیشنهادی لازم را به منظور کاهش مقدار کسری بودجه آن کشور ارائه دهد. از اینرو اداره مزبور توصیه‌ها و پیشنهادها را به

*قرارات تخفیف العجرفی المیزانیة الامریکیة "العالم" العدد ۴۴ ص ۳۸
**مقاله "راههای کاهش کسری بودجه" را در صفحه ۴۱-۴۷ ملاحظه فرمایید.

خود را جهت کاهش مبالغ کسر بودجه در ۳ سال مالی ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ و ۱۹۸۷ - ۱۹۸۸ - ۱۹۸۸ تقدیم مسئولان نمود. از جمله این پیشنهادها، کاهش در بودجه نظامی را، به مقدار ۸ میلیارد دلار در سال مالی ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ و ۳۰ میلیارد دلار در سال مالی ۱۹۸۸ - ۱۹۸۷ می توان نام برد. همچنین این کاهش، تعداد زیادی از طرحها و خدمات عمومی در بخشهای کشاورزی، بهداشت و خدمات عمومی را نیز شامل می شود.

در این خصوص وزارت بازرگانی آمریکا چندی پیش اعلام نمود معدل رشد اقتصاد آمریکا در ۳ ماهه سوم سال ۱۹۸۴، به میزان ۱/۹٪ در سال کاهش یافته است، که این، پایین ترین میزان رشد اقتصادی کشور آمریکا از اواخر سال ۱۹۸۲ تاکنون به شمار می آید. در حالی که وزارتخانه یادشده، میزان رشدی معادل ۲/۷٪ برای مدت زمان یادشده را پیش از این پیش بینی کرده بود. کمی این میزان رشد، هنگامی روشنتر به نظر می رسد که با ۳ ماهه اول و دوم سال ۱۹۸۴ مقایسه گردد که به ترتیب عبارت از ۱۰/۱٪ و ۷/۱٪ بوده است.

سطح بالای هزینه های دولت آمریکا، در بیست ماه گذشته محور به دمیدن روح تازه ای در اقتصاد آمریکا شده است، و به همین دلیل تقاضای سرمایه، از طرف مؤسسه های آمریکایی به منظور افزایش توسعه خود، بالا رفته است. از این رو آمار رسمی منتشر شده در سال ۱۹۸۳ و شش ماهه اول سال ۱۹۸۴، افزایش چشمگیری در میزان رشد اقتصادی و ارزش سرمایه گذاری مؤسسه های اقتصادی علاوه بر کاهش محسوس میزان بیکاری در آن کشور را، نشان می دهد.

کاهش میزان رشد اقتصادی که اخیراً اتفاق افتاده، ناظران سیاسی را شگفت زده کرده است. اما برای اقتصادشناسان آگاه به سیاستهای دولت آمریکا، آمار جدید شگفت انگیز نبوده است. نرخ بالای بهره بانکی منجر به افزایش قیمت دلار و افزایش قیمت کالاهای صادراتی آمریکا در بازارهای خارجی گردید، در حالی که قیمت کالاهای در بازارهای داخل آمریکا کاهش یافت. بدین روی، حجم کالاهای صادراتی آمریکا نسبت به چند سال گذشته، با کاهش محسوس روبرو گردید و متقابلاً کالاهای وارداتی از خارج افزایش یافت. این امر به افزایش سریع عدم تعادل در موازنه بازرگانی آمریکا منجر شد.

این پدیده، زیان شدیدی به اقتصاد آمریکا وارد کرد. چه تقاضا برای کالاهای ساخته شده در مؤسسه های صنعتی آمریکا، به دلیل بالا رفتن قیمت این کالاهای در خارج از آمریکا، کاهش یافت. علاوه بر این، در مدت اخیر، میزان هزینه های مردم آمریکا برای امور مصرفی به دلیل افزایش نرخ بهره پروانه های مصرفی (وامهایی که توسط مصرف کنندگان درخواست و گرفته می شود) کاهش یافت که این امر خود به خود میزان سود مؤسسه های مالی آمریکا را کاهش داد.

از این رو است که آخرین آمار منتشر شده رسمی نشان می دهد، خالص سود مؤسسه های آمریکایی پس از کسر مالیات مربوط در ۳ ماهه سوم سال ۱۹۸۴ به مقدار ۱۱ میلیارد دلار، در مقایسه با ۳ ماهه دوم همان سال، کاهش یافته است. به عبارت دیگر، این کاهش به میزان ۷/۳٪ بوده است. همین آمار نشان

می‌دهد که کاهش محسوسی در تعداد دیگری از فعالیتهای اقتصادی مانند بخش ساختمان نیز به وقوع پیوسته است.

برخی از تحلیلگران اقتصادی، از جمله اقتصاددانان غربی، عقیده دارند که روش دولت آمریکا برای مقابله با کسری بودجه آن کشور، اصلیترین حلقه از زنجیر استعمار اقتصادی کشورهای دیگر جهان را تشکیل می‌دهد، به دلیل اینکه نرخ بالای بهره بانکی در آمریکا باعث می‌شود مقادیر زیادی از پول و داراییهای دیگر کشورهای جهان به سوی بانکهای آمریکا سرازیر شود. به همین جهت کشورهای جهان سوم از اعتبارات مورد نیاز خود جهت توسعه اقتصادی محروم می‌شوند. همزمان با آن، اقتصاد کشورهای غربی همپیمان با آمریکا نیز، به دلیل اینکه پول زیادی از گردش اقتصادی آن کشورها خارج شده تا به سوی بانکهای آمریکایی جذب گردد، دچار حشرات فراوانی شده است.

درحقیقت، تغییرهایی که تا زگیها در سیاست اقتصادی دولت آمریکا پیش آمده، ناشی از فشار کشورهای جهان بر آن کشور نیست بلکه معلول احساس مسئولان حکومتی آمریکا به ضرورت اتخاذ سیاست اقتصادی جدیدی در این مقطع از زمان است. با این منطبق بود که دولت آمریکا به تازگی، مجبور به لغو و یا کاهش حجم تعدادی زیادی از اعتبارات تخصیص یافته به برخی از طرحها و هزینههای عمومی شده است. علاوه بر این، نرخ بهره در بانکهای آمریکا از ماه سپتامبر گذشته تاکنون پنج بار کاهش یافت، این مقدار به منظور تشویق افراد و مؤسسهها به درخواست وام بیشتری از بانکها به منظور دمیدن روح تازه‌ای به اقتصاد آمریکا بوده است.

بحران در نظام بانکی

درحقیقت، نظام بانکی آمریکا در سال ۱۹۸۴ بدترین بحران را از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون شاهد بوده است. به طور اکید، بحران مالی کنونی در نظام بانکی آمریکا ناشی از بحران بدهی کشورهای جهان سوم و نیز نارساییهای اقتصادی دولت آمریکا بخصوص در بخشهای کشاورزی و انرژی است. نارسایی در این دوی بخش اقتصادی باعث شده است که بانکهای آمریکایی تعدادی از طرحهای پرداختی خود را به وام گیرندگان این دوی بخش، از دست بدهند.

بدین خاطر، تعداد بانکهایی که از آغاز سال ۱۹۸۴ تا پایان ماه اکتبر همان سال با ورشکستگی مواجه شده‌اند به ۶۶ بانک رسید. این رقم در مقایسه با ارقام مشابه قبلی، بسیار بالاست. علاوه بر این، مسئولان دولتی آمریکا پیش بینی می‌کنند، تعداد بانکهای ورشکسته شده تا پایان سال ۱۹۸۴ به ۷۵ بانک می‌رسد. تعداد بانکهای ورشکسته شده در سال ۱۹۸۳ به ۴۸ بانک رسیده بود و در سال ۱۹۸۱ فقط ۱۰ بانک بوده است.

تعداد بانکهایی که به طور رسمی در فهرست "خطر" قرار گرفته‌اند - بانکهایی که برای حفظ موجودیت خود نیاز به توجه خاصی دارند - در حال حاضر به بیش از ۸۰۰ بانک رسیده است. این رقم در بدترین شرایط اقتصادی آمریکا، تاکنون نظیر نداشته است. در رکود اقتصاد سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۶ کشورهای غربی، حدود ۳۸۵ بانک آمریکایی دچار این حالت شده بودند که این رقم کمتر

از نصف رقم فعلی است. همچنین مسئولان دستگاه نظارت بر نظام بانکی آمریکا پیش بینی می کنند این رقم در اوایل سال ۱۹۸۵ به حدود ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ بانک برسد.

دلیل عمده و خیم شدن اوضاع کنونی بانکهای آمریکایی حجم بالای وامهایی است که بانکهای آمریکایی قبلاً به کشورهای جهان سوم، بخصوص کشورهای آمریکای لاتین پرداخته بودند. به دلیل بحرانهای اقتصادی متعددی که این کشورها از نیمه سال ۱۹۸۲ تاکنون با آنها دست به گریبان بوده اند، ناچارند در مورد مدت و نحوه بازپرداخت اقساط وامهای دریافتی خود از بانکهای آمریکایی تجدید نظر نمایند. علاوه بر این، جهت رفع مشکلات اقتصادی روز افزون، این کشورها ناچار به درخواست وامهای بیشتری شده اند. از این جهت بود که بانکهای پرداخت کننده این وامها به دلیل عدم بازپرداخت قسطهای وامهای مزبور از وام گیرندگان، با بحرانهای مالی شدیدی مواجه شدند. علاوه بر این، بانکهای یاد شده در زمانهای معین ناچار به پرداخت وامهای بیشتری به بدهکاران شدند تا شاید بتوانند به آنان کمک کرده وامهای قبلی خود را پرداخت نمایند.

بدون شک افزایش و گسترش حجم عملیات وام دهی بانکهای آمریکایی به کشورهای جهان سوم که بدون حساب و آینده نگری صورت گرفته بود، مهمترین دلیل بروز بحران کنونی بانکی است. علت آن عدم استفاده حکومتهای وام گیرنده از وامهای دریافتی در اجرای طرحهای موفقیت آمیز و مفید بوده است. علاوه بر این، قصور و بی برنامه گی دولتهای مزبور در اجرای طرحهای مزبور بر میزان عدم موفقیت این طرحها افزوده است. افزون بر این، رکود اقتصاد جهانی که کشورهای صنعتی جهان را ناچار ساخته از صنایع داخلی خود حمایت نمایند و از ورود کالاهای کشورهای جهان سوم به این کشورها، با اعمال سیاستهای حمایتی جلوگیری نموده اند، کشورهای جهان سوم را با بحران در موازنه تجاری مواجه ساخته است که این امر به ناتوانی کشورهای یاد شده از بازپرداخت اقساط وامهای خود، افزوده است. □